

## پاشنه آشیل رهبران اروپا

برای سیاست مداران اروپا اصلاحات اقتصادی هم هزینه دارد و هم اجتناب ناپذیر است

نویسنده: اردلان متین

منبع: همشهری دیپلماتیک سال ۸۵، شماره ۲

زیر ذره بین

قاره اروپا به سمت فقر می رود و با توجه به سالمند شدن جمعیت کشورهای اروپایی، اقتصاد این قاره هم پویایی خود را از دست می دهد، این در حالیست که سیاستمداران در اروپا هنوز آماده بلعیدن داروی دردناک تغییرات و اصلاحات اقتصادی نیستند. چرا که هنوز مردم و طبقات مختلف جامعه به این نتیجه نرسیده اند که اقتصادهایشان دچار مشکل شده است.

در هفته های اخیر دو رویداد مهم در اروپا اتفاق افتاد که اگر چه در ظاهر ارتباطی با هم ندارند اما هر دو به نتیجه ای مشترک و ناامید کننده برای این قاره منجر می شوند.

یکی از این دو رویداد تصمیم دولت فرانسه برای خارج کردن قانون جنجالی اشتغال جوانان از دستور کار خود بود و دیگری نتایج نه چندان قابل پیش بینی انتخابات ایتالیا. نتیجه ای که از این دو رویداد به دست می آید این است که کشورهای اصلی اروپا آمادگی انجام اصلاحات اقتصادی که به شدت مورد نیاز این کشورها است را ندارند. بنابراین باید منتظر وقوع بحران اقتصادی بود و بعد از آن تغییرات به صورت اجباری به اجرا در می آید.

انتخابات جنجال برانگیز ایتالیا تا دو هفته در صدر اخبار رسانه ها بود. چپ میانه به رهبری رومانو پرودی با اختلاف بسیار اندکی در این انتخابات پیروز شد. پرودی بعد از اعلام نتایج نهایی انتخابات گفت که دولت جدید را تشکیل می دهد اما این کار تا حد زیادی به میزان حمایت احزاب چپ افراطی بستگی دارد. نتایج انتخابات ایتالیا نشان داد که برلوسکونی آن طور که در ظاهر به نظر می رسد، در ایتالیا منفور نیست و علی رغم همه شایعات و حرف هایی که پیرامون او وجود دارد، او همچنان در میان بسیاری از رأی دهندگان محبوب است.

دلیل باخت او در مقابل پرودی غیر کاریزماتیک را باید در نارضایتی رو به رشد ایتالیایی ها از اقتصاد این کشور جستجو کرد. بسیاری از رأی دهندگان در انتخابات سال ۲۰۰۱ از برلوسکونی حمایت کردند چون به وعده های او برای اصلاحات در ایتالیا و ایجاد تحول در اقتصاد این کشور را باور داشتند. در انتخابات اخیر هم به این دلیل از او روی گردان شدند که او نتوانست این

وعده ها را عملی کند و تحول اقتصادی ایجاد نماید. اما چون جایگزین مقبولی از نظر رأی دهندگان ایتالیایی برای برلوسکونی وجود نداشت، نتایج انتخابات تا این اندازه نزدیک شد. پرودی ضرورت تغییرات در ایتالیا را درک می کند؛ اما او یک لیبرال طرفدار بازار آزاد نیست و درون ائتلاف ۱۳ حزبی اش دو حزب کمونیست اصلاح نشده وجود دارد که به شدت با اصلاحات اقتصادی مخالف هستند. با توجه به نفوذ این دو حزب، چپ میانه از پیش از انتخابات وعده داد که بخش هایی از قانون که تصویب شده راست های میانه درباره اشتغال است را لغو کند. این قانون باعث شکوفایی در بازار اشتغال وقت و نیمه وقت شده بود. این قانون شبیه قانون قرارداد موقت برای اشتغال جوانانی در فرانسه است که البته مخالفت ها و اعتراض های گسترده باعث لغو آن شد.

دومینیک دوویلین نخست وزیر فرانسه بر این باور بود که دلیل اصلی آمار بالای بیکاری در این کشور به ویژه در میان جوانان، بازار به شدت انعطاف ناپذیر اشتغال است. در این بازار حداقل دستمزدها بالاست و هرگونه اخراج یا تعدیل نیرو با محدودیت های گسترده ای همراه است. ویلین همچنین می دانست که مخالفت های گسترده مانع از تغییر این قوانین می شود. بنابراین تصمیم گرفت قانون جدید را بدون مشورت های مقدماتی و به صورت دستوری به تصویب برساند. او امیدوار بود که با این کار مخالفان را در برابر عمل انجام شده قرار داده و امکان هرگونه مقاومت و اخلال در اجرای قانون را از بین می برد. اما دوویلین دو خطای بزرگ مرتکب شد. اول اینکه قدرت مردم و تظاهرات های خیابانی را دست کم گرفت. تاریخ معاصر پر از نمونه هایی است از عقب نشینی دولت های فرانسه از برنامه های اصلاحاتی شان در برابر تظاهرات گسترده مردمی. تسلیم شدن دوویلین در برابر تظاهرات مردمی اخیر به این فهرست اضافه می شود. خطای دوم او این بود که به حمایت کامل رئیس جمهور ژاک شیراک امید بسته بود. شیراک بعد از ۱۱ سال حضور در قدرت همه تردیدها را در برابر ضعف خود در مقام ریاست جمهوری به یقین تبدیل کرد و نشان داد که ضرورت اصلاحات را او هم درک نمی کند. به این ترتیب تا پیش از انتخابات ریاست جمهوری بعدی فرانسه در بهار آینده، فرصتی برای تغییرات در این کشور وجود نخواهد داشت.

با نگاهی عمیق تر می توان دریافت که دورنمای اصلاحات در سومین کشور بزرگ عضو حوزه یورو (پول واحد اروپا) یعنی آلمان، روشن تر از دیگر کشورهاست. در این کشور رشد اقتصادی از سر گرفته شده و تجارت راه خود را یافته است. بیکاری سیر نزولی یافته و آنجلا مرکل به عنوان صدر اعظم دمکرات مسیحی در رأس یک ائتلاف بزرگ با سوسیال دمکرات ها، شروع خوبی داشته است. اما نتایج انتخابات سپتامبر گذشته آلمان مانند انتخابات در ایتالیا و فرانسه نشان داد که رأی دهندگان تمایل چندانی

به اصلاحات ندارند. دولت مرکل ممکن است بتواند شرایط مالی عمومی را بهبود بخشد، اما تاکنون که تمایلی برای به اجرا گذاشتن تدابیر لیبرالی نشان نداده است.

واقعیت ناخوشایند در هر سه این کشورهای اروپایی این است که رأی دهندگان این کشورها هنوز آماده بلعیدن داروی دردناک تغییرات نیستند. اصلاحات همیشه دردناک است. در هر سه این کشورها گروه‌هایی هستند که موقعیتشان در اثر اصلاحات به خطر می‌افتد. گروه‌هایی که شغل مطمئنی دارند و آنها که در بخش دولتی هستند. این گروه‌ها در اثر روند اصلاحات بیش از آنکه چیزی به دست بیاورند، از دست می‌دهند. آنها برای مقابله با تغییرات آمادگی و انگیزه زیادی دارند و برایشان مهم نیست که این اصلاحات در درازمدت به جوانان و به اقتصاد کشورشان کمک می‌کند.

آیا این به آن معنی است که اروپا، به ویژه کشورهای عضو پول واحد یورو، غیر قابل اصلاح هستند؟ پاسخ آسان به این سؤال این است که بله، سرنوشت این قاره به سمت فقر می‌رود و با توجه به سالمند شدن جمعیت این کشورها، اقتصاد این قاره هم پویایی خود را از دست می‌دهد. اما بدون شک این دورنما بیش از حد تار است. این سه کشور اروپایی در شرایط متفاوت و تحت رهبری سیاستمداران جسورتر بدون شک می‌توانند راه خود را تغییر دهند. یکی از دلایلی که با استناد به آن می‌توان گفت که اصلاحات حتی در ایتالیا و فرانسه هم ممکن است، این است که بسیاری از کشورهای دیگر اروپایی هم شرایطی مشابه فرانسه و ایتالیای امروز داشته‌اند. انگلیس در سال ۱۹۷۹ شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی داشت که در پی آن روزها یک دهه اصلاحات تاجریسم روی داد. درست است که انگلیس از اعضای پول واحد اروپا نیست، اما هلند که عضوی از یورو است هم همین شرایط را تجربه کرده است. این کشور در سال ۱۹۸۲ شرایطی را تجربه کرد که بعدها به بیماری هلندی معروف شد. در آن دوران مجموعه‌ای از اصلاحات به اجرا درآمد که یک دهه بعد به معجزه هلندی منجر شد.

یکی دیگر از این موارد در کشور کوچک ایرلند روی داد که در سال ۱۹۸۷ به فقر و ورشکستگی اقتصادی مبتلا شد. اما بعد از چند سال اجرای اصلاحات دردناک اما مفید، این کشور به ببر اروپا تبدیل شده است. فنلاند هم در سال ۱۹۹۰ به مشکل اقتصادی اروپا تبدیل شده بود اما با انجام اصلاحاتی، اکنون به یکی از رقابتی‌ترین اقتصادهای دنیا تبدیل شده که در بعضی ارزیابی‌ها حتی از آمریکا هم جلوتر است.

دو عامل در کنار هم اصلاحات رادیکال را در این کشورها ممکن کرده است. اول از همه اجماع گسترده در میان دهندگان، بازرگانان، اتحادیه های کارگری و دیگر بخش های جامعه بر سر ضرورت این اصلاحات بود و دیگری حضور رهبران سیاسی مصممی که حاضر بودند ریسک کاهش محبوبیت و حتی برکناری از قدرت را بپذیرند. مشکل واقعی نه فقط برای ایتالیا و فرانسه بلکه برای آلمان این است که شرایط زندگی برای بسیاری از مردم این کشورها هنوز مطلوب است و به خوبی ادامه دارد. هنوز مردم و طبقات مختلف جامعه به این نتیجه نرسیده اند که اقتصاد هایشان دچار مشکل جدی شده است. این سه کشور همچنین رهبران سیاسی جسوری ندارند که آماده دفاع از اصلاحات و ضرورت آن باشند. شاید بهترین آرزو برای تسریع در روند اصلاحات در این کشورهای اروپایی این باشد که زودتر بحران اقتصادی جدی به وقوع بپیوندد. وقوع این بحران چندان هم دور نیست.

منبع: اکونومیست

نکته : اصلاحات اقتصادی پاشنه آشیل رهبران اروپا قاره اروپا سیاستمداران